

وصیت نامه

فشار خون بالای من که بالاتر نیز می رود وضع راستین تندرستی ام را بر نزدیکانم می پوشاند. من فعالم و دارای توانایی کار، ولی روز واپسین چندان دور نیست. این سطور پس از مرگ من انتشار خواهد یافت.

نیازی ندارم که یکبار دیگر در اینجا افتراهای پست و تنگ نظرانه استالین را رد کنم. شرافت من به عنوان یک انقلابی، خدشه ناپذیر است. من هیچ گاه، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، حاضر نشدم با دشمنان طبقه کارگر توافق های سری یا حتی مذاکرات پنهانی بکنم. مخالفان استالین، هزار هزار قربانی این افتراهای بی اساس گشته اند.

نسل انقلابی جدید شرافت سیاسی این قربانیان را بدانان باز خواهد گرداند و با دژخیمان کرملین، همان سان که سزاوارند، تصفیه حساب خواهد کرد.

من از همه دوستاتی که در دشوارترین ساعات زندگی وفادار در کنارم ایستادند سپاسگذاری می کنم. نمی خواهم نام کسی را در اینجا یاد کنم، چرا که نام بردن همه آنها را نمی توانم. ولی فکر می کنم اگر استثنایی قائل شوم و از همسرم «ناتالیا ایوانوناسدوا» نام ببرم عادلانه رفتار کرده ام.

بر نیک بختی من، یعنی مبارزی در راه سوسیالیسم بودن، سرنوشت این نیک بختی را نیز افزود که شوهر او باشم. او در راه مشترک زندگی چهل ساله مان یک سرچشمه پایان ناپذیر عشق، بزرگ منشی و ظرافت بود.

وی رنج های بزرگی را، به ویژه در سال های آخر زندگانی مان، تحمل کرد. وی با این همه، این اندیشه که او روزهایی توأم با نیک بختی نیز داشته است مرا سبکبار می کند.

من چهل و سه سال تمام یک انقلابی آگاه ماندم. چهل دو سال تمام در زیر پرچم مارکسیسم مبارزه کردم، اگر بنا بود کار را از نو آغاز کنم، طبیعی بود که می کوشیدم

از این یا آن اشتباه بپرهیزم، ولی خط اصلی را هرگز تغییر نمی دادم. من به عنوان یک انقلابی پرولتری، یک مارکسیست، یک ماتریالیست و معتقد به دیالکتیک و ناچار یک خدانشناس (Alheist) اشتباه ناپذیر خواهم مرد. اعتقاد به یک آینده کمونیستی، امروز در من قوی تر از ایام جوانی است.

ناتاشا پنجره رو به حیاط را بیشتر گشوده است تا هوا بهتر به اتاقم وارد شود. من می توانم چمن سبز و درخشان را پایین دیوار ببینم و آسمان روشن و آبی را و همه جا آفتاب را. زندگی زیباست، امید است نسل آینده آن را از هرچه پلیدی، اختناق و زورگویی است بیالاید و از آن لذت ببرد.

ال تروتسکی ۲۷ فوریه ۱۹۴۰ کویواکان

وصیت نامه

همه دارایی من پس از مرگم (حق تألیف برای کتاب ها و نوشته ها و مقالات و غیره) به زخم ناتالیا ایوانونسدوا تعلق می گیرد.

ال تروتسکی ۲۷ فوریه ۱۹۴۰

اگر هردوما بمیریم: (بقیه صفحه نوشته نیست)

۳ مارس ۱۹۴۰

از نوع بیماریم (فشار خوان بالا و بالا رونده) پی می برم که به مرگی ناگهانی خواهم مرد و به احتمال قوی - این هم باز نظر شخصی خودم است- در اثر خونریزی مغزی. این بهترین پایانی است که می توانم برای خود آرزو کنم. ولی ممکن است اشتباه کنم (نمی خواهم کتاب های مربوط بدین موضوع را بخوانم و بدیهی است که پزشک حقیقت را به من نمی گوید). ولی اگر فساد شریان نبض موجب علیل شدنم گردد (در حال حاضر وجودم پر است از انرژی روحی که از فشار خون بالا ناشی است و خیلی دوام نخواهد داشت) به خود این حق را خواهم داد که زمان مرگ خویش

را خود تعیین کنم. این «خودکشی» (اگر بتوان این لفظ را در مورد وضع من به کار برد) به هیچ وجه نشانه ای از یاس و نومیدی نیست. ناتاشا و من بیش از یک بار درباره این مساله گفتگو کرده ایم که ممکن است دچار حالاتی جسمانی گردیم که کوتاه کردن زندگی، یا به عبارت بهتر تسریع مرگ را، به جا جلو دهد. ولی من، شرایط مرگم هرطور که باشد، باز هم با اعتمادی خدشه ناپذیر به آینده کمونیسم خواهم مرد. این اعتقاد به انسان و آینده او اکنون به من نیروی مقاومتی می دهد که هیچ دینی آن را نمی توانست داد.

ال تروتسکی

بازنویس: رویا شاپوری